

عنوان مقاله : بررسی راه های ایجاد انگیزه برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

۱-ام البنین محمودی زاوه ۲-عصمت سادات موسوی ۳- فاطمه عمرانی ۴- سکینه احمدی

- ۱- زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تربت حیدریه
- ۲- فوق دیپلم آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد تربت حیدریه
- ۳- فوق لیسانس ریاضی محض دانشگاه پیام نور مشهد
- ۴- لیسانس علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور گناباد

چکیده

در یادگیری دانش آموزان، انگیزه مساله مهمی است به واقع بعضی متخصصان ایجاد انگیزه را از مسوولیت های نخستین مربیان و معلمان می دانند. انگیزه در واقع همان نیروی محرکه ای است که فرد را برای انجام فعالیت ترغیب می کند، انگیزه یک بخش پیچیده ای از روان انسان است که از مجموعه عواملی تعریف شده است که به وسیله فکر و احساس به سوی هدف و انجام فعالیت حرکت کند. انگیزه تحصیلی در واقع باور های آموخته شده فرد درباره ی توانایی ها، اهداف و انتظارات فرد برای کست موفقیت تحصیلی نیازمند است. در واقع انگیزه اهداف مشخصی را ترسیم می کند که افراد برای رسیدن به آن تلاش می کنند. بنابراین انگیزه روی انتخاب هایی که دانش آموزان می کنند تاثیر می گذارد. انگیزش از مباحث کلیدی تعلیم و تربیت است که شناسایی مفهوم آن و آگاهی از فنون ایجاد و افزایش انگیزه در دانش آموزان به معلم کمک می کند تا در اجرای برنامه های آموزشی خود، روش های بهتری را بکار گیرد. انگیزه به فعالیت یادگیرنده جهت می دهد افراد دارای انگیزه پیشرفت زیاد، در یادگیری بر افرادی که از این انگیزه بی بهره اند پیشی می گیرند. ایجاد انگیزه فقط وظیفه معلم نیست و باید در معماری مدرسه و کلاس درس نیز به اصول ایجاد انگیزه متناسب با هر رده سنی توجه نمود.

واژگان کلیدی: انگیزه - پیشرفت تحصیلی - دانش آموزان - یادگیری

مقدمه

نقش انگیزه در موفقیت تحصیلی و تمام نقاط دیگر زندگی، روانشناسی مبحث خیلی مهمی است و مطالعات فراوانی در مورد آن صورت گرفته است. انگیزش چیست؟ انگیزش مفهوم مهمی است که تفاوت آن با انگیزه، در بیرونی بودن آن است. مثلاً روانشناس های رفتارگرا می گویند ما تحت تاثیر محیط و شکلی که دیگران با ما رفتار می کنند، به آن ها پاسخ می دهیم. یعنی محیط منشأ انگیزش است اما روانشناس های شناختی معتقدند که ما بیشتر تحت تاثیر نوع شناخت و افکارمان هستیم. یعنی افکار ما منشأ انگیزشی مهم تری هستند.

آنچه در آموزش و پرورش بیش از همه دارای اهمیت است یکی رشد طبیعی یا رشد و دیگری انگیزش و ترکیبی از آنهاست زیرا در پرتو این عوامل است که دگرگونی های شاگردان ایجاد میشود منظور از رشد طبیعی تواناییها و پیشرفتهای تازه ای است که بر اثر گذشت زمان ((از يك مرحله سنی به مرحله دیگر)) در فرد پدید می آید و او را به انجام دادن کارهایی توانا می سازد که پیش از آن از عهده آن بر نمی آمد اما منظور از انگیزش عوامل محیطی مؤثر در ایجاد حرکت و نیروی درونی است که محرك واقعی فرد برای آموزش و یادگیری تلقی می شود که در برنامه آموزشی باید هر دو عامل یعنی رشد طبیعی و نیروهای انگیزشی درونی و بیرونی مد نظر قرار گیرند تا برنامه یادگیری به نحو شایسته ای تحقق یابد بر خلاف رشد طبیعی، چندان که با تغییر رفتار موجود زنده از لحاظ عوامل بیرونی یا محیطی ارتباط دارد با وراثت و عوامل درونی ارتباط ندارد.

در واقع در یادگیری علاوه بر روابط محرك پاسخ مسا نلی مانند بینش، کیفیت رفتار ادراک انگیزش یا ترکیب آنها با یکدیگر مطرح است

بیان مسئله

ضرورت دستیابی به فرهنگ غنی و تربیت انسانهای فرهیخته از جمله محورهایی است که جامعه را به آموزش و پرورش پویا محتاج کرده است. جامعه همواره در حال تغییر و تحول است و شاید یکی از اصولی که برای همیشه ثابت و لایتغیر است اصل تغییر و دگرگونی است که این امر در مسائل اجتماعی و فرهنگی بیشتر رخ می نماید.

در بستر زمان توجه به نیازهای اجتماعی و مقتضیات فرهنگی و علمی موجب استفاده از شرایط و امکانات موجود خواهد بود ایجاد تغییرات مثبت در روشها مخصوصاً در امر آموزش و شیوه های یادگیری مطلوب اهمیت خاصی برای برنامه ریزان درسی و طالبان علم و دانش خواهد داشت.

از این رو راهکارها و روشهایی که قبلاً برای آموزش و یادگیری بکار می رفت الزاماً ثابت و تغییر ناپذیر نیستند و چه بسا تجدید نظر و اتخاذ روشهای آسانتر و کاربردی را می طلبد و از طرف دیگر با عنایت به اینکه یکی از شاخصهای توسعه نیروی انسانی، تربیت انسانهای فرهیخته و کارآمد در زمینه های مختلف علمی و تکنولوژیکی است اهمیت قضیه دو چندان می شود.

با عنایت به اینکه یکی از مشکلات که هم اکنون از سوی صاحبان و دست اندرکاران تعلیم و تربیت و اولیای دانش آموزان مطرح میباشد این است که دانش آموزان انگیزش لازم را جهت یادگیری مطلوب از خود نشان نمی دهند چنانکه این مسئله در اکثر صورتجلسات شورای معلمان مدارس یا در مراجعه تعدادی از اولیای دانش آموزان به هسته های مشاوره ادارات آموزش و پرورش و همچنین در جلسات مدیران واحدهای آموزشی به کرات طرح میشود.

بی شک این مشکل هم مانند دیگر مسائل و مشکلات ریشه ها و علتهای متعددی دارد که با شناخت آنها می توان راههای مناسب یادگیری و ایجاد انگیزه را در جوانان در امر تحصیل و هدایت آنان بر اساس انگیزه های شناسایی شده می تواند نقش عمده ای در باروری استعدادهای نسل نو خواسته ایفا نمود.

اهمیت تحقیق

یکی از شرایط لازم برای اقتصادی مناسب و پویا، وجود آموزش پایه فراگیر است. تجارب کشورهای توسعه یافته در دهه های گذشته مبین این واقعیت است که بر سرمایه گذاری در حوزه آموزش پایه ارتباط



معناداری با بهره وری اقتصادی دارد بر این اساس در تمام کشورهای دنیا متناسب با توان اقتصادی آنان در راه توسعه آموزش و پرورش و رشد دانش و آگاهیهای فکری سرمایه گذاری می شود و مبالغ قابل توجهی از بودجه سالانه کشورها به تعلیم و تربیت اختصاص می یابد که قسمت اعظم آن بدون اینکه به تحقق هدف مورد نظر که همان یادگیری بهتر و نهایتاً بهبود کیفیت آموزشی و ارتقاء سطح توسعه جامعه در زمینه های صنعت، کشاورزی، دامداری و تکنولوژی و... می باشد به هدر می رود. در کشور ما نیز با عنایت به اینکه جمعیت جوان و مدرسه بیشترین رقم را به خود اختصاص داده است و از جمعیت ۶۵ میلیون نفری جامعه بر اساس آمار سال تحصیلی ۷۷-۷۸ تعداد ۱۸۸۶۲۹۰ نفر دانش آموز در مدارس کشور مشغول به تحصیل می باشند که نزدیک به ۳۰٪ کل کشور را شامل می شود. برای تعلیم و تربیت رسمی این قشر عظیم بودجه هنگفتی از امتیازات سالانه کشور صرف می شود و این بودجه با افزودن مشارکتهای مردمی باز هم بیشتر می شود.

بنابراین به منظور جلوگیری از به هدر رفتن منابع و سرمایه های ملی جامعه و اتلاف وقت دانش آموزان در فرآیند یادگیری و همچنین ارتقاء دانش و آگاهی که مهمترین توسعه نیروی انسانی جامعه به شمار می روند این پژوهش انجام می شود تا از این رهگذر قلمی مؤثر در راه توسعه آموزش و پرورش برداشته و به تبع آن در توسعه جامعه مؤثر باشیم.

اهداف تحقیق

معرفت درباره یادگیری برای تصمیم گیرندگان برنامه ریزی درسی کاملاً ضروری است. برنامه درسی الزاماً طراحی برای یادگیری است به عبارت دیگر برنامه درسی دارای هدفهایی برای یادگیری و روشهایی برای رسیدن به این هدفهاست.

اهداف کلی: هدف کلی پژوهش حاضر شناخت راههای بهتر یادگیری و ایجاد انگیزه بیشتر در فراگیران و همچنین شناخت میزان رابطه بعضی از متغیرهای اثر گذار در یادگیری است تا از این طریق:

۹ به برنامه ریزان آموزشی برای تنظیم برنامه های مطلوب آموزشی جهت بهینه سازی شرایط یادگیری فراهم شود.

بررسی شرایط یادگیری بهتر، شیوه های مناسب تدریس و همچنین نقش تعاملی معلمان و دانش آموزان زمینه مناسبی برای درخشش استعدادها و نهفته دانش آموزان مهیا شود.

نقش روش تدریس بدیع و غیر معمول در یادگیری دانش آموزان تعیین گردد.

تأثیر پاداشها مخصوصاً پاداشهای بیرونی در موقع تدریس مشخص شود.

نقش مشارکتی دانش آموزان در جریان تدریس مشخص شود.

فرضیه های تحقیق

بین مقدار تکلیف و یادگیری رابطه مثبت وجود دارد.

مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای کلاسی یادگیری آنان را افزایش می دهد.

ارائه درس جدید با یادآوری مطالب از پیش آموخته شده یادگیری را افزایش می دهد.

استفاده از پاداشهای بیرونی در یادگیری دانش آموزان مؤثر است.

آگاهی دانش آموزان از فعالیت های آینده موجب یادگیری بهتر می شود.

ارائه درس توسط معلم بصورت بدیع و غیر معمول موجب یادگیری بهتر دانش آموزان می شود.

انجام پرسشهای تدریجی و مستمر کلاسی در یادگیری دانش آموزان مؤثر می باشد

پیشینه پژوهش

مطالعه انگیزش به چرای رفتار مربوط می شود. انگیزه چیزی است که شخص را به عمل وادار می سازد و یا حداقل تمایل به رفتاری خاص را در او به وجود می آورد.

انگیزه به حالتی درونی ارگانیسم که موجب هدایت رفتار به سوی هدف می شود اشاره می کند (مورگان و همکاران ۱۹۸۴).

در تعاریف گوناگون انگیزش، غالباً با واژه هایی نظیر میل، خواست، آرزو، هدف، نیاز، انگیزه و داعیه مواجه می شود. رایجترین آنها در روانشناسی مفهوم ((انگیزه)) است.

انگیزه يك موضع رواني است كه رفتار را در جهت هدف يا هدفهايي نيرو مي دهد، فعال مي سازد به حرکت در مي آورد، هدايت مي كند و بالاخره آنرا در مسير هدف قرار مي دهد. به طور كلي انگيزش را مي توان به عنوان نيروي محرك انسان و عامل جهت دهنده آن تعريف كرد. (سيف-۱۳۷۳) مینویسد پژوهشهای انجام شده رابطه بین استعداد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی با ضریب همبستگی $r = 0.5$ را نشان می دهد. و این ضریب مبین این است که در میان دانش آموزان افرادی یافت می شوند که با استعداد کم پیشرفت چشم گیری دارند و افرادی هستند که با استعداد بیشتر پیشرفت نسبتاً اندکی نصیب آنها می شود. یکی از عوامل توجیه کننده این مطلب انگیزش است. یادگیرنده کم آموز کمتر از یادگیرنده پش آموز در فعالیت یادگیری می کوشد. رینگس (۱۹۶۵) تفاوتی پیشرفت میان دانش آموزان دارای هوشبهر یکسان را مورد مطالعه قرار داد و نتیجه گرفت که دانش آموزان بیشتر آموز در مقایسه با دانش آموزان کم آموز برای یادگیری، انگیزش بیشتر و برای ارتباط و دوستی با همکلاسان خود انگیزش کمتر داشتند. با عنایت به مطالب فوق الذکر معلوم می گردد که انگیزه در میزان موفقیت دانش آموزان مؤثر بوده و یکی از عوامل مهم پیشرفت تحصیلی تلقی می شود.

نقش انگیزه ها در رفتارها

انگیزش مجموع متغیرهای پیچیده ارگانیسمی و محیطی است که کنش آنها به فعالیت عمومی و جهت دار احساس و رفتار منجر می شود (خداپناهی ۱۳۷۶). از تعاریف مختلفی که در زمینه انگیزش ذکر گردید بدست می آید که انگیزش عامل و محرك رفتار انسانی به سوي هدف و جهت مشخص می باشد. دانش آموزی که شبانه روز مطالعه میکند نیروي بر انگیزاننده درونی او را وادار به این کار میکند. تا بهتر و سریعتر بتواند به هدف خویش که همانا قبولی در پایه تحصیلی و نهایتاً کنکور سراسری است نائل شود که ساعتهای متوالی در گوشه ای از کتابخانه به مطالعه و بررسی موضوع خاصی می پردازد آن انگیزه درونی که همانا درک واقعیتها و روشن نمودن افقهای از جهل و ناآگاهی برای مردم است وادار به این کار می نماید قهرمانی که ساعتهای و روزها به تمرین رشته خاص ورزشی مشغول می گردد و سختیهای آن را تحمل می نماید انگیزه درونی است که او را برای رسیدن به هدف قهرمانی وادار می نماید. وجود انگیزه ها عمدي و استنباطی است. یعنی با مشاهده آنچه جانوران و آدمیان انجام میدهند یا برای دستیابی به هدفی تلاش می کنند می توانیم به وجود این گونه عوامل پی ببریم به سخن دیگر انگیزه دارای استنتاجها یا پیامدهائی هستند، برای مثال وقتی مشاهده می شود شاگردی بر یادگیری همه مواد درسی به گونهای پیگی کوشش می کند نتیجه می شود که در این شاگرد انگیزه موفقیت بسیار بالاست. این شاگرد نمی خواهد هیچ يك از مواد درسی ضعیفی داشته باشد و انگیزه پهبینی نگیرد.

انگیزه های درونی و بیرونی:

نظریه پردازان و محققان انگیزش انسانی به دو نوع کلی از انگیزش یعنی درونی و بیرونی اشاره کرده اند (دسی ۱۹۷۵، دسی ریان ۱۹۸۵ لیبر و گرین ۱۹۸۷). (مالون، دلبر ۱۹۸۷ به نقل از اسپالدینگ در ۱۹۲۴) انگیزشهای بیرونی زمانی وجود دارد که افراد به وسیله پیامدی که خارجی است و یا از لحاظ کارکردی مربوط به فعالیتی است که در آن درگیر می شوند بر انگیزه می شوند. در مقابل انگیزش بیرونی، انگیزش درونی وجود دارد بدین معنی که شخص برای انجام موفقیت آمیز تکالیف خود تمایل درونی دارد خواه برای آن ارزش بیرونی وجود داشته باشد یا نداشته باشد. باید توجه کرد که انگیزش در خود دانش آموز وجود دارد نه در درسها و مواد درسی مهم.

انگیزه های درونی:

این انگیزه ها اشاره به عوامل محتوایی داشته و ذاتاً در خود وظیفه و یا در وجود شاگرد نهفته اند. از آنجا که انگیزه های کاوشگری و کنجکاوی در انسان ذاتی است می توان گفت که این انگیزه های درونی زیر بنای بسیاری از نظریه های جدید آموزشی هستند که به امر فعالیت و اکتشاف شاگرد توجه دارند (نوروزی، تیموری ۱۳۷۷).

انسان حادثه ای را می بیند و به آن کنجکاو می شود و در پی علت حادثه و چگونگی وقوع آن بر می آید و تا حد امکان در زمینه آن اطلاعات کسب می کند، فیلمی را تماشا می کند بدون اینکه برای او پاداش یا سودی حاصل گردد. ولی شاید ساعتها بعد خود را برای تماشای فیلمهای جنجال برانگیز صرف می کند، دانش آموزی ساعتها در گوشه يك اتاق مینشیند و به مطالعه می پردازد و هر روز بر فعالیت مطالعاتی خود می افزاید و از منابع مختلف استفاده می برد تا بتواند آن فطرت کمال جویی خویش را غنی نماید، همه موارد بر خواسته از ویژگیهای درونی و ذاتی انسان می باشد.

جان مارشال ریو می گوید: رفتاری که به صورت درونی برانگیخته شده است به راحتی تعریف میشود، رفتاری است که صرفاً به خاطر علاقه و لذت ذاتی انجام دادن فعالیتی معین صورت می گیرد. ((انگیزش درونی)) در تعداد کمی از نیازهای روان شناختی خاص از جمله در علت، کارایی (اثر بخشی) و کنجکاو شخص ریشه دارد هنگامی که مردم جهت ارضای نیازها به خاطر علت کارایی با کنجکاو شخص درگیر می شوند طبق انگیزش درونی عمل می کنند (ترجمه سید محمدی ۱۳۷۶) از نظر ((جان مارشال ریو)) رفتارهای برانگیخته شده بصورت درونی شامل پیگردی، تحقیق، دستکاری، رویارویی ها، مبارزه طلبی و پس از تجربه پسخوراند شایستگی، استقامت و درگیری دوباره است.

انگیزه های بیرونی:

این انگیزه ها اشاره به عوامل زمینه ای داشته و توسط معلم و سایر عوامل خارجی بر وظیفه و یا بر شاگرد تحمیل می شوند معمولاً انگیزه های بیرونی یکی از اشکال تشویق یا تنبیه به خود می گیرند. مارشال ریو معتقد است که مطالعه انگیزش بیرونی در اطراف سه مفهوم اصلی پاداش، تنبیه کننده ها و مشوق ها دور می زند، يك ((پاداش)) موضوع جذابی است که در پایان زنجیره رفتار واقع می شود و احتمال وقوع دوباره آن را افزایش می دهد، تأیید چک پرداختی و نشانه های پیروزی موضوع های محیطی هستند که بعد از گفتن متشکر ۴۰ ساعت کار در هفته و انجام دادن مهارتهای ورزشی واقع می شود بعلاوه دریافت کننده تأیید چک پرداختی یا نشان پیروزی چنین رفتاری را با احتمال بیشتری تکرار می کند تا فردی که این موضوع محیطی را برای ادب و نزاکت، کار یا تمرین خود دریافت نمی دارد (ترجمه سید محمدی ۱۳۷۶) يك تنبیه کننده موضوع آزارنده ای است که در پایان زنجیره رفتار واقع می شود و احتمال وقوع مجدد رفتار را کاهش می دهد انتقاد، دوره های زندان، مسخره شدن توسط مردم، موضوعهای محیطی ناخوشایندی هستند که بعد از پوشیدن لباسهای مرتب، دزدیدن سوال دیگران و حمایت کردن از نگرشهای ضد اجتماعی رخ می دهند و احتمال تکرار رفتار را کاهش می دهند مشوق موضوعی محیطی است که فرد را برای پرداخت به يك زنجیره رفتار جذب و یا دفع می کند، مشوقها قبل از رفتار واقع می شوند و موجب انتظار پیامد های جذاب یا بیزار کننده در شرف وقوع می شوند. تفاوت عمده پاداش و تنبیه ها با مشوقها در این است که پاداشها و تنبیه ها معمولاً بعد از رفتار انجام میشوند و موجب افزایش یا کاهش رفتار میگردند ولی مشوقها قبل از رفتار اجرا می گردند و باعث تقویت رفتار می شوند.

انگیزش و تحصیل:

وقتی که با معلمان با تجربه و موفق در مورد ویژگی های تحصیلی دانش آموزان خوب صحبت می شود و نظر آنان را در این رابطه می خواهند معمولاً به خصوصیات نظیر سختکوشی، همکاری، علاقه مندی به تحصیل، مطالعه عمیق و دقیق مطالب درسی و غیره اشاره دارند بعضی از آنان این ویژگی را به داشتن انگیزه تحصیلی خوب منحصر می کنند، معنی عبارت فوق این است که دانش آموز خوب بر انگیزه می شود تا تکالیفش را خوب و به طور کامل انجام دهد.

(اسپالدینگ ۱۹۹۷) می نویسد در میان کودکان ده ساله ای که من دیده ام بعضی به خاطر اسب سواری برای انجام کاری بر انگیزه می شوند، برخی برای بدست آوردن پول جهت خریدن يك ماشین و برخی به خاطر تغییر دادن اشکال قدرت و زندگی خود بر انگیزه می شوند اما همیشه برای تکمیل کار درسی (ترجمه یعقوبی و خوشخلفی).

اسپالدینگ معتقد است بسیاری از معلمان از دانش آموزان سخت کوشی صحبت می کنند که ترم تحصیلی را آهسته ولی پیوسته به پایان می رسانند و در مقابل معلمانی هستند که دائماً از دانش آموزان زرننگ شکایت می کنند که از استعداد خود عاقلانه استفاده نمی کنند اگر به معلمان اجازه داده شود که از دو کلاس زیر یکی را به میل خود انتخاب کنند اکثر آنها کلاس نخست را می گزینند. کلاسی که دانش آموزانی با انگیزه بالا و هوش پایینی و متوسط دارند و کلاسی که دانش آموزانی با هوش بالا، سطح انگیزشی متوسط دارند. از توضیحات بالا چنین استنباط می گردد که انگیزه عامل اصلی و پایدار پیشرفت تحصیلی محسوب می گردد.



یعقوبی و خوشخلفی (۱۳۷۷) و معلمان بیشترین ارزش و اعتبار را به افرادی قائل هستند که دارای انگیزه قوی تحصیلی هستند از بین دانش آموزانی که هوش بهره بالایی دارند و دانش آموزانی که انگیزه قوی تحصیلی دارند معمولاً دارندگان انگیزه قوی تحصیلی را انتخاب می نمایند. (ترجمه یعقوبی و خوشخلفی ۱۳۷۷).

عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی

عوامل گوناگونی می توانند بر انگیزش تحصیلی فرد تاثیر بگذارند. در این مقاله قصد داریم به تاثیر سه مولفه مهم در اهمیت شکل گیری انگیزه تحصیلی دانش آموزان بپردازیم. هدف ها، علایق و خودپنداره ها ۳ عامل بسیار مهم در انگیزش تحصیلی دانش آموزان می باشند که به بررسی هر کدام می پردازیم و شما ضرورت داشتن انگیزه تحصیلی در نوجوانان را می توانید درک کنید

هدف، اولین عامل موثر بر انگیزه تحصیلی

هدف عبارت است از نتیجه ای که یک فرد برای دستیابی به آن کوشش می کند. رفتار هدفدار باعث پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می شود. زیرا توجه فرد را در تکلیفی که باید انجام دهد بالا می برد و موجب کشف راهبردهای جدید برای رسیدن به هدف می شود. نوع هدف هایی که فرد برای خود انتخاب می کند در انگیزه او تاثیر می گذارد. تحقیقات نشان می دهد هر چه هدف های مشخص شده درجه دشواری متوسطی داشته باشند و دسترسی به آن ها در آینده نزدیک میسر باشد، انگیزش و پیگیری بیشتری به همراه دارند. در این قسمت می توانید به اهمیت انگیزه تحصیلی برای دانش آموزان پی ببرید

علاقه، دومین عامل موثر بر انگیزه تحصیلی

سطح انگیزه تحصیلی دانش آموزان با علایق آن ها نیز در ارتباط است. طبق تحقیقات انجام شده، علاقه اندک به درس باعث افت انگیزه دانش آموزان می شود. هر چه علاقه دانش آموز به درس بیشتر باشد، یادگیری او نیز عمیق تر و پایدار خواهد شد. بخش عمده علاقه مند کردن دانش آموزان به درس بر عهده معلمان است که با روش های خلاقانه تدریس می توانند دانش آموزان را به درس و مدرسه علاقه مند کنند. نقش انگیزه در موفقیت تحصیلی و تمام نقاط دیگر زندگی، روانشناسی مبحث خیلی مهمی است و مطالعات فراوانی در مورد آن صورت گرفته است. انگیزش چیست؟ انگیزش مفهوم مهمی است که تفاوت آن با انگیزه، در بیرونی بودن آن است. مثلاً روانشناس های رفتارگرا می گویند ما تحت تاثیر محیط و شکلی که دیگران با ما رفتار می کنند، به آن ها پاسخ می دهیم. یعنی محیط منشأ انگیزش است اما روانشناس های شناختی معتقدند که ما بیشتر تحت تاثیر نوع شناخت و افکارمان هستیم. یعنی افکار ما منشأ انگیزشی مهم تری هستند.

خودپنداره ها، سومین عامل موثر بر انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی دانش آموزان متأثر از خودپنداره های آنان نیز هست. اینکه دانش آموزان چه تصویری درباره خود و استعدادها و توانایی های فردی و کارآمدی خود دارند، در تعیین هدف و میزان موفقیت و شکست آن ها موثر است. مثلاً افرادی که فکر می کنند توانایی آنان ثابت و تغییر ناپذیر است، نمی توانند اهداف بزرگتری را برای خود انتخاب کنند. برعکس، آنان که توانایی خود را تغییر پذیر و افزایش یابنده می دانند، اهداف بزرگ تری را پیش روی خود قرار می دهند. پیش بینی چگونگی نتایج رفتار، عامل مهمی در انگیزه تحصیلی افراد است. آلبرت بندورا این پیش بینی را "خود کارآمدی" می نامد و آن را اعتقاد به توانایی خود برای سازمان دادن و اجرای فعالیت های لازم برای دستیابی به هدف معین تعریف می کند.

تقویت انگیزه های درسی

مهمترین عامل تعیین کننده علاقه مندی یا بی علاقهگی دانش آموز نسبت به درسها و تکالیف مختلف یادگیری تجارب موفقیت آمیز یا شکست او در یادگیریهای درسهای مختلف است. یعنی اگر دانش آموز طی سالهای مدرسه همواره تجارب موفقیت آمیزی کسب کند به تدریج برعلاقه او نسبت به یادگیری دروس مختلف و کل محیط مدرسه افزوده می شود. و در نتیجه مفهوم مثبتی از خود در او تشکیل می شود، اما اگر این تجارب

غالباً با شکست توأم باشند، اندک اندک دریادگیرنده، بی علاقگی و بی میلی نسبت به دروس و مدرسه ایجاد می شود و سرانجام ممکن است به مفهومی منفی از خود و تواناییهای خود در او بینجامد. بنابراین، بهترین راه جلوگیری از بی میلی و بی علاقگی در یادگیرنده و افزایش سطح علاقه و نگرش مثبت او نسبت به یادگیری و فعالیتهای مدرسه، فراهم کردن امکانات کسب توفیق در یادگیرنده است.

توجه به توضیحات بالا مشکل کمبود انگیزه یادگیری دانش آموزان یا کمبود علاقه آنان نسبت به یادگیری مطالب تازه، ناشی از شکستهای پی در پی آنان در دروسهای مشابه درس جدید است. بنابراین بهترین راه رفع مشکل این است که کیفیت آموزش را بهبود بخشیم. این اقدامات سبب افزایش یادگیری و کسب موفقیت از سوی دانش آموز در دروسهای تازه خواهد شد. این کسب موفقیت باعث می شود که یادگیرنده، به تدریج به تصویری مثبت تر از تواناییهای خود نسبت به یادگیری دست یابد. اگر این جریان، در چندین واحد یادگیری ادامه یابد، از تصورات منفی دانش آموزان نسبت به تواناییهایش در رابطه با یادگیری مطالب کاسته می شود و به جای آن تصورات مثبت تری در این مورد کسب خواهد کرد. که این خود علاقه و انگیزه یادگیری را در او افزایش می دهد، اما آنچه که گفته شد، بهترین روش ایجاد کردن علاقه در دانش آموزان نسبت به یادگیری موضوعهای درس است، علاوه بر این روش کلی شیوه ها و فنون دیگری وجود دارد که توجه به آنها سطح علاقه و انگیزش یادگیرندگان را بالا می برد، که در ذیل به آنها می پردازیم.

- جهت ایجاد انگیزه بیشتر در دانش آموزان از معلم انتظار می رود:

قبل از آغاز درس دقیقاً به آنها بگوید که چه انتظاراتی از آنان دارد، به عبارتی معلم باید قبل از آغاز درس کلیه هدفهای آموزشی، نوع رفتار و یا مهارتهایی را که از آنان می خواهد از پیش در اختیارشان قرار دهد تا دانش آموزان پیش زمینه ای مناسب داشته باشند.

- استفاده از اظهاراتی چون «خوب»، «عالی» و «مرحبا» پس از عملکرد درست دانش آموز در افزایش علاقه او بسیار مؤثر است، اما باید توجه داشت که مؤثرترین تشویق آن است که به رفتار و عملکرد درست دانش آموز وابسته باشد.

علاوه بر اظهارات شفاهی، سایر تشویقها از جمله، تشویقهای کتبی در ورقه امتحانی و دفترچه تکالیف دانش آموزان بر یادگیری آنان اثر مثبت دارد.

- از آنجا که نتایج آزمونها به صورت نمره هایی که به یادگیرندگان داده می شوند با پاداشهای اجتماعی چون تأیید معلم و والدین، ارتقاء به کلاس بالاتر، دریافت گواهینامه، امکان ورود به دانشگاه، کسب مشاغل و مواردی نظیر اینها وابسته اند، لذا نمره های معلم دارای ارزش انگیزش زیادی هستند. بنابراین، معلم می تواند بالاجرای امتحانهای مختلف و دادن نتایج حاصل به یادگیرندگان، سطح انگیزش و علاقه آنان را نسبت به یادگیری و کسب مهارتها و اطلاعات تازه افزایش دهد، اما همیشه از این تدابیر آموزشی باید به صورت مثبت استفاده کرد، نه به عنوان وسیله ای برای ترساندن و تنبیه کردن یادگیرندگان.

- ارائه مطالب درسی به صورت متوالی، از ساده به دشوار، موجب می شود که یادگیرندگان ابتدا در یادگیری مطالب ساده، به اندازه کافی موفقیت به دست آورند. این کسب موفقیت اولیه، انگیزش یادگیری را برای یادگیریهای بیشتر افزایش می دهد و بر آمادگی او می افزاید.

- ایجاد رقابت فردی بین دانش آموزان به کسب موفقیت در محدودی از آنان و شکست اکثریت کلاس می انجامد، بنابراین باید از آن پرهیز کرد.

- مشارکت دانش آموزان در فعالیت یادگیری یکی از عوامل مهم ایجاد علاقه و انگیزش است.

- بهترین تکالیف و فعالیتهای یادگیری از لحاظ ایجاد انگیزش آنهاهی هستند که نه خیلی ساده و نه خیلی دشوارند. به عبارتی بهترین تکالیف یادگیری آنهاهی هستند که یادگیری در انجام آنها نیاز به قدری تلاش داشته باشد.

راه کارهای ایجاد انگیزه در دانش آموزان و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی

۱- طرح مطالب درسی به صورت پرسش های جالب : مطلب یا موضوعی را که می خواهیم کودک و نوجوان یادبگیرد ، به صورت پرسش یا پرسش هایی روشن و جالب که آنها را به فعالیت ذهنی و پویندگی ترغیب نماید ، مطرح کنیم . باید تلاش نمود تا در دانش آموزان احساس نیاز به وجود آید .

۲- دانش آموزان در اثر شکست در درسی نسبت به آن نگرش منفی پیدا می کنند باید به آنها کمک کرد تا با کسب موفقیت در درس جدید ، به تصویری مثبت از توانایی خود دست یابند زیرا یادگیری همراه با موفقیت به ایجاد انگیزه منجر می شود .

۳- تجربه و تماس مستقیم با مطالب درسی : سعی نماییم تا دانش آموزان آنچه را که می خواهند یادبگیرند با آن تماس پیدا نموده و تجربه مستقیم و عملی داشته باشند .

۴- اهداف آموزشی مورد انتظار از دانش آموزان را در آغاز درس برای آنها بازگو نماییم . اهداف باید روشن و متناسب با توانایی دانش آموزان باشد .

۵- اجرای نقش : بهتر است در زمینه برخی از موضوعات از جمله تاریخ ، ادبیات ، دینی و ... دانش آموزان را تشویق نماییم تا موضوع مورد نظر را به صورت نمایش در آورند . اجرای نمایش در تفهیم مسائل تربیتی و اخلاقی بسیار مفید و مؤثر می باشد .

۶- در شرایط مقتضی و مناسب از تشویق های کلامی استفاده کنید . مثلاً " خوب ، آفرین ، مرحبا و ...

۷- باید شرایطی فراهم شود تا دانش آموز موفقیت خود را احساس کند زیرا هیچ چیز همانند خود موفقیت به موفقیت کمک نمی کند .

۸- تکالیف ارائه شده نه باید بسیار مشکل باشد و نه ساده ، از ارائه تکالیف یکنواخت باید پرهیز کرد و به عبارتی تکالیف باید خاصیت برانگیختگی داشته باشند .

۹- مشخص کردن نحوه انجام کار برای یادگیرنده : کاری را که دانش آموز قرار است انجام دهد باید دقیقاً مشخص شود .

۱۰- تبادل نظر با دانش آموزان در باره مشکلات درسی و شرکت دادن آنها در طرح نقشه های کار و فعالیت

۱۱- استفاده از نمرات و آزمون ها برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان

۱۲- علاقه مندی یاددهنده به موضوع : دربسیاری از مواقع مشاهده می کنیم که بی علاقه بودن یادگیرندگان به موضوعی خاص ناشی از علاقه مند نبودن والدین و مربیان آنهاست . معلمی که در زنگ انشاء ، ورقه های ریاضی را تصحیح می کند یا در ساعت ورزش به بافندگی مشغول می شود ، عملاً " به یادگیرندگان می گوید که برای این فعالیت ارزش قائل نیست .

۱۳- مطالب آموزشی را باید از ساده به دشوار ارائه کرد . می توان با فعال سازی دانش آموز به هنگام تدریس در او ایجاد انگیزه نمود .

۱۴- به وضع جسمانی دانش آموزان و وضع ظاهری کلاس باید توجه نمود . کلاس درس را باید از نظر ظاهری و روانی تبدیل به محیطی امن و آرام نمود .

۱۵- از مقایسه نمودن دانش آموزان با یکدیگر خودداری نمایید .

۱۶- قدردانی از کار دانش آموز او را به کوشش و تلاش بیشتر و دلبستگی به درس وادار خواهد نمود .

۱۷- برقراری ارتباط بین مطالب درسی با واقعیات زندگی در ایجاد انگیزه مؤثر می باشد .

۱۸- بلافاصله دانش آموز را از میزان پیشرفت در کارش مطلع نمایید . آگاهی از نتیجه کار در هر مرحله از آموزش ، دانش آموز را از عملکرد خود آگاه نموده و باعث می شود تا به تقویت نقاط مثبت و اصلاح نقاط ضعف و منفی خود بپردازد .

۱۹- استفاده از علائق یادگیرنده : مربیان و والدین می‌توانند با شناسایی علائق دانش آموز از آن استفاده مطلوب نمایند .

۲۰- مقابله با بازدارنده های عاطفی و هیجانی که موجب دلسردی و کاهش علاقه دانش آموز به درس و تحصیل می شود . مثلاً " معلمی ممکن است از دانش آموز توقع زیاد داشته باشد و یا پس از ورود به کلاس به هیچ دانش آموزی اجازه ورود ندهد و یا تکالیف سنگین تعیین کند ، زیاد درس بدهد ، سخت نمره دهد و گاهی تبعیض روا دارد .

یادگیری:

برای یادگیری تعریفهای مختلفی وجود دارد که هر يك از آنها جنبه های خاص از فرایند یادگیری را در بر می گیرد و لی جامع ترین و کامل ترین تعریف از دیدگاه هیلگارد و مارکویز (۱۹۶۱) عبارت است از ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یادگیرنده مشروط بر آنکه این تغییر بر اثر تجربه رخ می دهد.

یادگیری در هر کاری که انسان انجام می دهد نقش دارد هر وجهی از رفتار فرد به تجارب یادگیری او بستگی دارد. ویژگیهای روانی دیگر نظیر گرایشها، نظام ارزشها مهارتهاو... با امر یادگیری پیوند دارند.

گانیه (۱۹۷۷) می گوید: یادگیری عبارت است از تغییری که در آن توانایی انسان ایجاد می شود و برای مدتی باقی می ماند که نمی توان به سادگی به فرایند های رشد نسبت داد (به نقل از سیف، فتحي آذر ۱۳۷۳) می گوید: اخذ دانش، مهارتها و نگرشها و روشی که باعث تغییر این عوامل در انسان و تحولي را در او به وجود می آورد سر و کار دارد، بنابراین یادگیری پدیده ایست تغییر در رفتار را سبب می شود اما باید توجه داشت که یادگیری به طور مستقیم قابل مشاهده نبوده بلکه از طریق رفتار استنتاج می شود. اولین تغییر رفتار علائم و نشانه هایی هستند که از تحقیق یادگیری حکایت دارند، پس در تعریف یادگیری سه معیار: ۱- تغییر رفتار و توانایی فرد در انجام يك کار خاص. ۲- اکتسابی و تجربی بودن آن. ۳- استنتاج از طریق رفتار نسبتاً دائمی، مد نظر قرار می گیرد به عقیده سیف (۱۳۶۷) یادگیری اساس و پایه مهم رفتار است. با عنایت به دیدگاههای فوق بدست می آید که یادگیری عبارت است از تغییر رفتار نسبتاً پایدار که به طور اکتسابی و تجربی بدست می آید

آموزش و یادگیری:

مقوله مهم یادگیری به تغییر رفتار تأکید می کند که این امر يك رویداد کاملاً درونی است که ممکن است اثرات آن بعنوان رفتار مشاهده گردد و یا در مغز ذخیره شده و هرگز در رفتار ظاهر نشود. آموزش به فعالیتهای هدفدار معلم که برای ایجاد یادگیری به صورت کنش متقابل بین معلم و یادگیرنده جریان می یابد اطلاق می شود (سیف ۱۳۷۳).

به عقیده وي بین یادگیری و آموزش تفاوتهاي وجود دارد، یادگیری همیشه معطوف به یادگیرنده است اما آموزش مستلزم فعالیت متقابل بین حداقل دو نفر (معلم و یادگیرنده) است البته معنی این مطلب آن نیست که یادگیری و آموزش دو فرایند نامربوط هستند در واقع این دو به هم وابسته اند.

یادگیری هدف است و آموزش وسیله رسیدن به هدف. اما با وجود این وابستگی آموزش و یادگیری دو فرایند مستقل هستند و می توانند دارای پژوهشها و نظریه های مستقل باشند. نظریه یادگیری صرفاً به پدیده یادگیری می پردازد یعنی آن تبیین کننده چگونگی یادگیری و توصیف کننده شرایطی است که یادگیری در آن صورت

می گیرد. اما نظریه آموزشی پیش بینی کننده و کنترل کننده راههایی است که در آن رفتار یک فرد (معلم) بر فرد دیگر (دانش آموز) اثر می گذارد.

گیج (۱۹۷۷) می گوید: «در حالی که نظریه های یادگیری مربوطند به راههایی که در آن ارگانیسم (دانش آموز) به یادگیری می پردازد، نظریه های آموزشی راههایی را مورد بررسی قرار می دهند که در آن شخص (معلم) شخص دیگری (دانش آموز) را تحت تأثیر قرار می دهد و سبب می گردد که او چیزی یاد بگیرد.» (سیف ۱۳۷۳).

یادگیری در آموزش و پرورش:

در فرآیند یادگیری آموزش و پرورش درون داد، خیل عظیمی از دانش آموزان و فراگیرانی است که در یک محیط کاملاً باز تعامل دارند که علاوه بر عوامل مختلف اجتماعی مانند فرهنگ رسانه های گروهی، انگیزه های تحصیلی و عوامل مؤثر و مستقیم یادگیری نیز مثل معلم، کتابهای درسی، وسایل کمک آموزشی و شیوه های آموزشی نقش عمده ای در یادگیری بهتر ایفا می نمایند و بی شک اثر بخشی عوامل مؤثر در کلاس کیفیت برونداد و اندازه تغییرات حاصله در آن (دانش آموزان) تغییر خواهد داد، برای اینکه میزان اثر بخشی عوامل آموزشی را بهتر بسنجیم می بایستی در ابتدا رفتار و رویداد دانش آموزان را ارزیابی نموده و آموزش های جدید را بر مبنای پایه تحصیلی افراد ارائه نماییم. به نظر سیف رفتار ورودی به آمادگی فرد برای یادگیری هدفهای آموزشی اشاره می کند، به سخن دیگر، آنچه را یادگیرنده قبلاً آموخته است برای یادگیری مطلب تازه پیش نیاز محسوب می شود و نیز تجارب مثبت و منفی حاصل از آموخته های قبلی او را که در یادگیری مطلب تازه مؤثرند رفتار و ورودی او می نامیم.

آغاز و انجام فعالیت آموزشی با اصطلاحات رفتار و رویداد رفتارهایی مشخص میشوند یعنی جایی که برای یادگیرنده فعلاً قرارداد رفتار ورودی او به حساب می آید و جایی که او را برسانیم (هدف نهایی) رفتار نهایی او نامیده می شود. به نظر گلنر و رینالدز ۱۹۶۶ع رفتار ورودی جانیست که آموزش از آنجا آغاز می شود و رفتار نهایی جانی است که آموزش در آنجا پایان می یابد، رفتار ورودی را عملکرد ورودی نیز می توان نامید زیرا معلم در تغییر آمادگیهای یادگیرندگان باید به عملکردهای آنان در رابطه با آموزشهای قبلی مراجعه کند. مسئله آمادگی دانش آموز هر چند بدیهی فرض شود بسیار حائز اهمیت است. (سیف ۱۳۷۳) هنوز هم در بسیاری مواقع دیده می شود که معلم از دانش آموز رفتاری توقع دارد که از او ساخته نیست و در موارد زیادی با فرض اینکه دانش آموز مطالب پیش نیاز را آموخته است مطالب جدید را ارائه می دهد ولی اثر بخشی آن بسیار کمتر دیده می شود، به اعتقاد (سیف ۱۳۷۳) فراموش نباید کرد که معلم هر چند فداکاری می کند دانش آموز نخواهد توانست رفتاری را کسب نماید که بر بنیاد رفتارهای دیگری که هنوز نیاموخته است استوار باشد. یادگیری بر یادگیری بنا نهاده می شود اگر سنگ بنای یادگیری های پیشین مستحکم نباشد یادگیری جدید به دشواری تشکیل خواهد شد.

کتابهای درسی که اساسی ترین وسیله دانش افزایی و عامل شکوفایی استعدادهای دانش آموزان می باشند بر اساس یک روال منطقی تدوین شده اند به طوریکه (سیف ۱۳۷۳) در مورد کتابهای درسی و تأثیر آن در یادگیری چنین می گوید: «مطالب درسی مدارس معمولاً به نحوی برنامه ریزی می شوند که از ساده به دشوار به دنبال یکدیگر قرار می گیرند و یادگیری هر یک از آنها مستلزم یادگیری قسمتهایی از مطالب قبلی است، این امر مخصوصاً در درسی است که موضوعهای آنها توالی منطقی دارند چون ریاضی و علوم بیشتر صادق است.

پس یکی از عوامل مهم یادگیری وجود رابطه منطقی بین کتابهای درسی و در کتابهای درسی نیز بین موضوعات و مطالب کتابها می باشد که این امر یادگیری مطلب را تسهیل مینماید.

انواع یادگیری :

حال که در مورد تعریف و یادگیری و همچنین روند تحریر کتابهای درسی اشاراتی رفت به جاست که انواع یادگیری را از دیدگاه بعضی صاحب نظران مورد بررسی قرار دهیم. به عقیده سیف (۱۳۶۷) تکوین یک تداعی یا پیوند تازه بین دو رویداد اساسی ترین شکل یادگیری است. روانشناسان دو شکل از یادگیری تداعی را از هم متمایز میدانند: شرطی شدن کنش گر در شرطی شدن کلاسیک جا ندار یاد می گیرد که دو محرک همراه هم مد آیند. مثلاً نوزاد می آموزد که منظره پستان (یک محرک) بامزه شیر (محرک دیگر) پیوند دارد.

در شرطی شدن کنش گر جاندار می آموزد پاسخی که می دهد پی امد شخصی دارد. برای مثال نوزاد می آموزد که که گرفتن پستان به دهان (پاسخ) شیر (پی امد) به دنبال دارد.



براهنی (۱۳۶۷) شریعتمداری (۱۳۷۷) به دو نوع یادگیری اشاره می کند:

یادگیری به عنوان کسب اطلاعات و مهارتها

یادگیری به معنی تغییر رفتار از راه تجربه

یادگیری به عنوان کسب اطلاعات و مهارتها:

مردم عادی و بسیاری از معلمان یادگیری را عبارت از کسب اطلاعات یا معلومات و مهارتهایی میدانند ایشان مفهوم با آنچه عده کمی از افراد درباره تعلیم و تربیت در ذهن دارند موافق است معمولاً معلم به کسی اطلاق می شود که مطالب علمی و عددی را به شاگردان بیاموزد یا این گونه مطالب را به ذهن شاگردان انتقال دهد. تعلیم و تربیت با توجه به این امر عبارت است از انتقال معلومات علمی و ادبی به ذهن شاگردان.

۳- یادگیری به معنی تغییر رفتار از راه تجربه:

یادگیری در این معنی جریانی است که در آن رفتار فرد از طریق تجربه تغییر میکند و رفتار عبارت است از افکار- تمایلات- عادات- اطلاعات و مهارتها.

یادگیری در این معنی با آنچه جان دیوئی مربی و فیلسوف امریکایی درباره تعلیم و تربیت بیان نموده است ارتباط نزدیک دارد از نظر جان دیوئی تعلیم و تربیت عبارت است از دوباره ساختن یا تجدید نظر در تجربیات و تشکیل مجدد آنها به منظور رشد بیشتر. به نظر او فرد در اثر برخورد با محیط تجربیات تازه ای کسب میکند یعنی با افکار- عقاید- عادات تمایلات و اعمال تازه روبرو می شود. معلم به جای انتقال مطالب درسی به ذهن شاگردان ما باید در تغییر رفتار آنها اقدام نماید مثلاً در درس تاریخ حفظ مطالب و نام شخصیتها و محل و زمان وقوع حوادث تاریخی دانش آموزان را از علل و عوامل موثر در پیدایش وقایع تاریخی آگاه سازد و طرز پیدا کردن مطالب مستند تاریخی را به او یاد دهد. رابرت گانی (۱۹۷۷) به نقل از سیف (۱۳۷۳) بر اساس هدفهای آموزشی انواع یادگیری را به صورت یک سلسله مراتب از ساده به پیچیده تقسیم بندی کرده. بنحوی که در این طبقه بندی یادگیرد هر رفتاری برای یادگیری رفتاری سطح بالاتر پیش نیاز محسوب میشود و ی سلسله مراتب هشت نوع یادگیری را به شرح زیر از ساده به پیچیده طبقه بندی می کند:

یادگیری علامتی: در این نوع یادگیری که بیشتر بنام یادگیری رفتاری شرطی سازی کلاسیک پاولف به صدای زنگ مورد مشخصی از یادگیری علامتی است.

یادگیری محرك - پاسخ: این نوع یادگیری یاد دادن پاسخ های دقیق عضلانی به محرکات معین مشخص می شود. وقتی راننده اتومبیل با دیدن چراغ قرمز اتومبیلش را متوقف می سازد یادگیری او از نوع یادگیری محرك - پاسخ است.

یادگیری زنجیره ای: یاد گیرنده از طریق یادگیری زنجیره ای با تعداد یادگیری های محرك - پاسخ قبلی را به هم پیوند می زند و زنجیره ای از رفتار پیچیده محرك پاسخی را می آموزد. مانند مسواک زدن- گذاشتن خمیر دندان بر روی آن - قرار دادن مسواک در دهان- حرکت دادن آن بر روی دندانها در جهات مختلف - شستن دهان و مسواک کردن و بالاخره گذاشتن مسواک در جای مشخص آن از نوع یادگیری زنجیره ای است.

یادگیری کلامی یا تداعی کلامی: این نوع یادگیری که زبان آموزشی نیز نامیده می شود بنا به عقیده گانی نوع مشخص از یادگیری زنجیره ای است که در آن حلقه های یادگیری واحد های زبان هستند در یک مثال وقتی نام شینی مانند توپ را به کودک میاموزیم به دنبال آن رنگ توپ را نیز یاد میدهیم که نوعی یادگیری کلامی زنجیره ای است.

یادگیری تمیز دادن محرکات: یادگیری تمیز دادن محرکات شامل دادن پاسخ درست به محرکهای مختلف است. معلمان وقتی دانش آموزان و کلاس خود را با نام درست آنها صدا می کنند به تمیز دادن محرکات می پردازد.

یادگیری مفهوم: در یادگیری مفهوم یا مفهوم آموزی یادگیرنده بر حسب ویژه گیهای انتزاعی محرکها چون رنگ- شکل و تعداد به آنها پاسخ میدهد مانند یادگیری مفهوم پستانداران که مستلزم پاسخ درست دادن به ویژگیهای انتزاعی جانوران پستاندار معین.

یادگیری قاعده یا قانون: در یادگیری قاعده یا قانون که به آن اصل هم گفته می شود. یادگیرنده دو یا چند مفهوم را به هم ربط میدهد و از آن یک معنی تازه بدست می آورد. مانند ((فلزات بر اثر حرارت منبسط می شوند.))

حل مسئله: در یادگیری حل مسئله یا مشکل گشایی یادگیرنده با استفاده از قواعد یا اصول یا اصول به حل مسئله یا مسائل می پردازد به عقیده گانی آنچه در حل مسئله آموخته می شود یک اصل سطح بالاتر است که از ترکیب دو یا چند اصل ساده تر تشکیل می یابد .

علل یادگیری و نظریات مربوط به آن :



جواب اینکه چرا انسان باید یاد بگیرد؟ سوالی است که مربوط به همه انسانها- اعصار و همه عمر او است. بشر اولیه زندگی بسیار ساده و توأم با سختیها را تجربه نمود و به تدریج که زمان سپری گشت از وسایل موجود در طبیعت استفاده بهینه نمود تا اینکه در عصر حاضر از امکانات پیشرفته در زمینه های مختلف استفاده می نماید حال چرا انسان در اعصار و قرون گذشته نتوانسته است عتم و تکنولوژی و صنعت را به خدمت بگیرد؟ جواب ساده است برای اینکه یاد نگرفته بود و نمی دانست که چگونه به رفاه نسبی دست یابد از آن گذشته زمان و استفاده از تجربیت افراد فرهیخته اعصار و کار بست آنها موجب آسایش انسان گشته و فرهنگ و تمدن را بدست داده است و تغییرات سریع از ویژگیهای بارز جوامع بشری تلقی می گردد که همه اینها بدون یادگیری امری محال است. رخشان و فریاد (۱۳۶۹) می نویسد رفتار انسان امری تحصیلی نامحدود و دائم التغییر بوده و در مقابل رفتار حیوان امر تکوینی- محدود و نسبتاً ثابت است. در گستره حیات فردی و اجتماعی انسان چیزهای بی شمار با طرق مختلف و متنوع برای یادگیری وجود دارند گفته شده که انسان است به تربیت در اصل و ماهیت خود جز از طریق یادگیری حاصل نمی شود از این رو آدمی در محدوده فراتر از مرز فیزیولوژیک - فرهنگ- تمدن شرف - کرامت و فضیلت خود را اساساً مرهون یادگیری می داند. انسان هر چیز را یاد می گیرد حرکت کردن- گوش دادن- اندیشیدن- سخن گفتن- خواندن... و نهایتاً انسان آموخته های خود را طبقه بندی کرده و به تمیز - تجدید و یا استنتاج شناخت و تعلیم امور نائل می شود. سیف (۱۳۷۳) معتقد است که عملکرد شخص همان محصول یادگیری اوست. فریاد و رخشان (۱۳۱۶) تفاوت میان آدمیان را از این نقطه نظر به تفاوت در میزان و چگونگی در یادگیری آنها مربوط میدانند.

لورتنس (۱۹۶۹ به نقل از پارسا ص ۲۶) به طور کلا معتقد است که یادگیری امری نظری است و سازگاری با محیط را آسان می سازد و اضافه می نماید که تکامل تدریجی هنگامی به طور موفقست آمیزی رخ میدهد که گونه ها بتوانند استعداد جذب معلومات محیطی را از طریق انتخاب طبیعی در ساختار تکوینی خود به دست آورند به عنایت به نظریات و دیدگاههای فوق انسان از آغاز حیات خویش به تنها توجه خاصی به آموختنی نشان داده بلکه کوشیده است که چگونگی امر آموختن را دریابد در زمان های باستان افرادی چند مانند افلاطون و ارسطو و ... در مورد شیوه های یادگیری نظریات خاصی داشته اند اما از قرون هفده به بعد نظریه های جدید دیگری به ظهور رسیده است. و روشهای موثرتری ارائه نمودند روانشناسان به طور کلی کسب معلومات را به دو جنبه فردگرای و تجربه گرای مربوط دانسته اند.

فرد گرایان معتقدند که معلومات یا دانش بدون اتکا به حواس از عقل یا فرد ناشی می شود به عقیده آنان عقل بالاترین نیرو و استعداد است اما تجربه گرایان بر این باورند که تجربه مایه و پایه معلومات به شمه می آید که بنیانگذار این تفکر ارسطو (۳۸۴ تا ۳۲۲ ق-م) میباشد و اندیشه ورانی چون جان لاک (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴) جرج برکلی (۱۶۸۵ تا ۱۷۵۳) و ... به گسترش تجربه گرای یاری دادند گرچه فردگرایی و تمایز میان ذهن و ماده را در آثار افلاطون می توان خلاصه نمود و قرنهای بعد اندیشه دکارتی مسئله دوگانگی تن و روان را تأیید کرد ولد همین اندیشمند به شیوه تعادل یا داد و ستد تن و روان نیز معتقد است.

تجربه گرایان تجربه گرایان را در روانشناسی نظریه پردازان محرك و پاسخ می نامند به اعتقاد اینان یادگیرنده حالت انفعالی دارد و رفتار او در اختیار یا تابع نیروهای درونی و بیرونی است. جان لاک نخستین کسی است که به مخالفت با فطری بودن عقل و یادگیری از راه پرورش نیروهای روانی پرداخت او ذهن را هنگام تولد همانند لوح سفیدی می دانست که هیچ گونه فکر ذاتی در آن نقش نبسته است هر فکر و عقیده ای که از راه تجربه و حواس حاصل می شود اساس و پایه تفکرات انسانی را تشکیل میدهد ولی یادگیری را ادراکی می دانست از راه تجربه بدست آمده است هر پارت (۱۷۷۶ - ۱۸۴۱) نظریه اندر یافت را ارائه داد اندر یافت بر تصور ذهنی و اندیشه مدارس استوار است مطالب هنگامی اندر یافت می شود که در وجدان آگاه اثر وجودی پیدا کنند و در اندیشه های آگاه دیگر جذب شوند. از دیدگاه این نظریه اندیشه های جدید وقتی که در ذهن تشکیل می شوند یا اندیشه ها یا مطالب قبلی پیوند می یابند و نوعی همخوانی یا هماهنگی و انسجام پدید می آورند (پارسا ۱۳۷۴)

عوامل موثر در یادگیری :

شریعتمداری (۱۳۷۷) در مورد عوامل موثر در یادگیری به مواردی اشاره دارد که به طور خلاصه ذکر می گردد.

آمادگی : توراندایک آمادگی را شرط اساسی یادگیری میدانند برای اینکه فردی مطلبی را فرا گیرد بایستی آمادگی داشته باشد منظور از آمادگی دارا بودن رشد کافی در زمینه های مختلف است و مطالب درسی باید متناسب با سطح آمادگی شاگردان ارائه شود والا جز اتلاف وقت و ایجاد ناراحتی حاصلی نخواهد داشت پاره ای از آزمایشها نشان میدهد که سرعت یادگیری در زمانی که فرد آماده فرا گرفتن امر معینی است بیشتر از مواقعی است فرد فاقد آمادگی است.

تجربیات قبلی: تجربیات قبلی پایه و اساس فهم و بصیرت ادراک جسمی یادگیری است. آمادگی فرد نیز در حد وسیعی تحت تأثیر تجربیات قبلی او قرار دارد. این امر در نظریه پیازه به عنوان جذب و تطابق عنوان گرفته است که سیف (۱۳۷۳) از آن به عنوان فرایند سازگاری به دو صورت جذب و تطابق انجام می گیرد. جذب مستلزم بروز پاسخی است که از پیش کسب شده است مثلاً وقتی کودک پستانی را میمکد آنرا به فعالیت مکیدن که از پیش می دانسته جذب میکند از نظره روانشناسی پیازه جذب وقتی صورت میگیرد که شخص مطلب تازه ای را بر حسب مطالب آشنا ببیند. توجه به تجربیات قبلی شاگرد در مدرسه شرط اساسی موفقیت در کارهای تربیتی و آموزشی است. در تهیه برنامه مدرسه و انتخاب مطالب درسی باید تجربیات قبلی شاگردان را در نظر گرفت.

موقعیت یادگیری: موقعیت یادگیری را به دو گونه استعمات نمودند. گاهی موقعیت یادگیری را به عوامل و شرایطی اطلاق میکنند که در جریان تأثیر دارد مانند نور - هوا - طرز نشستن وسعت محل و مانند اینها و عوامل غیر مادی مانند طرز تفکر و تمایل یادگیرنده احساس تمایل معلم و شاگرد و ... که معلم باید کلیه عوامل موثر در جریان یادگیری را در نظر گیرد و آنچه را که مانع اجرای صحیح است از میان بردارد در این صورت جریان یادگیری به صورت حل مسئله در می آید که باید مسئله مورد بحث با آمادگی - استعداد احتیاج و تمایل یادگیرنده تناسب داشته باشد.

فعالیت یادگیرنده: فعالیت از يك جهت شامل حرکات بدنی اقدام برای حل مسئله و کنجکاو و بررسی محیط می باشد که در آن معنا شاکرد میل دارد خود را به کار اندازد و امور مختلف را بررسی کند از جهت دیگر یادگیری خود عملی است و اجرای آن بدون فعالیت صورت نمی گیرد.

۵- محرك: یادگیری مانند سایر اشکال رفتار معلول محرك یا محرکهائی است همان طور که منشاء رفتار افراد را احتیاجات اساسی آنها تشکیل میدهد در یادگیری نیز نیازمندیهای اساسی را به عنوان محرك فرض می کنیم که میل و رغبت جز محرکههای اساسی در یادگیری است.

۶- انتقال: وظیفه عمده موسسات تربیتی آماده کردن افراد برای برخورد با مشکلات است. در مدرسه نه تنها فرد طرز برخورد با مشکلات و نحوه پیدا کردن راه حل را می آموزد بلکه مطالبی را که به وسیله آنها مشکلات زندگی را باید حل کند فرا گیرد. استفاده از مطالب علمی و بکار بردن آنها را در برخورد با مسایل انتقال گویند.

شرایط یادگیری

شرایط یادگیری از جمله عوامل مهم انگیزشی و یادگیری در آموزش تلقی می شود رابرت گانیه (۱۹۱۶) شرایط یادگیری را به دو دسته تقسیم میکند. ۱- شرایط درونی ۲- شرایط بیرونی (الف) شرایط درونی: گانیه برای یادگیری درونی پنج قلمرو عمده در نظر می گیرد که عبارتند از: ۱- مهارتهای فکری و حل مسایل ۲- اطلاعات ۳- راهبردهای شناختی ۴- نگرشها ۵- مهارتهای حرکتی. مهارتهای حرکتی وی برای آموزش قلمرو فوق الذکر شیوه های متفاوتی را پیشنهاد میکند. و معتقد است که هر کدام از آنها دارای نیازمندیها- مهارتهای لازم و روشهای شناختی خاص می باشد. که گانیه این شرایط خاص را شرایط درونی یادگیری می نامد. در واقع توانمندیهای موجود یادگیرنده را تشکیل می دهد که به صورت گنجینه معلومات در حافظه فرد اندوخته گردیده است.

(ب) شرایط بیرونی: یکی دیگر از شرایط مهم یادگیری شرایط بیرونی است. که محرکههای محیطی مواد درسی- طرز تدریس معلم- شرایط و انتظارات خانوادگی مانند اینها را در برگیرد که عواملی هستند که در پیشرفتهای آموزشی شاگردان موثرند و برای توفیق آموزشی باید هر دو آنها را در نظر بگیریم. گانیه شرایط درونی و بیرونی را اجزای تشکیل دهنده یادگیری می نامد که در ارتباط با یکدیگر صورت کلی یادگیری است.

عناصر مهم یادگیری

جریان یادگیری فرایندی است که در طی این فرایند بایستی عناصر و عواملی دخالت داشته باشند در مدت یادگیری که تغییر در رفتار حاصل آن است اخذ تجربه موجب فراگیری توانایی جدیدی می شود به نظر کرانباخ (۱۹۷۲) در جریان یادگیری هفت مفهوم اساسی یا به عبارت بهتر عنصر عمده دخالت دارند که به ترتیب عبارتند از:

موقعیت: شامل همه اشیا - اشخاص- و نشانه هایی که در پیرامون یادگیرنده وجود دارد موقعیت فرصتی است برای ارضای خواهشها فراهم می آورد و ارضای خواهشها از راه انتخاب پاسخ مناسب ممکن است. خصوصیات شخصی: خصوصیات شخصی مشتمل بر همه توانایی ها و پاسخ های متعارف شخصی که در هر موقعیت در اختیار او قرار دارند. گفته اند خصوصیات مورد نیاز برای فایده بردن از تجربه یادگیری آمادگی شخصی را برای اخذ تجربه تشکیل می دهند.

هدف: هدف یادگیرنده نتیجه ای است که او میل دارد بدست آورد. هدف عبارت است از امکانی که شخص در هر موقعیت ادراک می کند و انتظار دارد که برایش خرسند کننده باشد. کوشش ادمی متوجه هدف است بنابراین مسئله انگیزش عبارت است از یاری کردن به یادگیرنده برای مشاهده هدف در موقعیت هدفی که شخص می خواهد و فکر می کند که می تواند به آن دست یابد.

تفسیر: عبارت است از عطف دقت به اجزایی از موقعیت مربوط ساختن مشاهدات کنونی با تجارب گذشته و بیش بینی این که کردار به چه نتایجی منتهی خواهد شد. تفسیر جزئی از پاسخی است که به موقعیتی داده میشود.

کردار: یعنی جنبش ها و گفتارها که اجزای قابل مشاهده پاسخ را تشکیل می دهند شخصی از میان کردارها ممکن انرا برمیگزیند که انتظار دارد مطلوب ترین عواقب را برای او بار آورد.

نتیجه: ممکن است نتیجه انتظارات شخص را تایید کند. در این صورت احتمال دارد که ادمی در موقعیتهای بعد تفسیری مشابه بکار برد. معلمی که به یادگیرنده یاد می دهد تا درباره کردار خود دآوری کند باید یقین داشته باشد که او عواقب کردار خود را به دقت می بیند.

واکنش به واکوردگی: واکوردگی وقتی می دهد که شخص از رسیدن به هدف عاجز آید. ممکن است واکنش ادمی به این درماندگی واکنش انطباقی باشد یعنی امکان دارد به تفسیر نو بپردازد و باسختی را به شیوه ای معقول تغییر دهد. اینگونه رفتار انطباقی معمولاً نتیجه ای مطلوبتر به بار می آورد (ترجمه رضوی (۱۳۵۱)

نتیجه گیری :

ما معلمان اگر بتوانیم با وجود همه ی عوامل مخرب و منفی در درون و محیط اطراف دانش آموزان، موجبات افزایش ایجاد انگیزه و حفظ آن در آنها را فراهم نمائیم تا حد زیادی در انجام مسئولیت خود موفق و در رساندن دانش آموزان به سر منزل مقصود کمک کرده ایم. امید است تلاشهای صادقانه ی همه ی ما مورد رضای خداوند واقع شود.

معلمان انگیزش را عامل مهمی در یادگیری می دانند و از این رو می خواهند دانش آموزانی با انگیزه داشته باشند. و دانش آموزان نیز خواهان موفقیت و کسب پیروزی هستند در این خصوص معلم می تواند به دانش آموز کمک کند.

راهبرد هایی برای ارضای نیازهای یادگیری فرد

- ۱- تشخیص نیازها، علایق و اهداف منحصر به فرد دانش آموزان.
- ۲- کمک به دانش آموزان برای تعریف اهداف فردی خود و آنچه که به اهداف یادگیری آنها مربوط می شود.
- ۳- مرتبط کردن اهداف کلی یادگیری با علایق و اهداف منحصر به فرد دانش آموزان.
- ۴- سازماندهی اهداف و فعالیت های یادگیری به منظور تشویق دانش آموزان به موفقیت های فردی.
- ۵- استفاده از سر مشق برای آگاه کردن دانش آموزان از ارزش و منافع حاصل از مهارتهای خاص.

مفاهیم ایجاد انگیزه در دانش آموزان

اگرچه در بیشتر کلاسهای درس می توانیم هم انگیزش بیرونی و هم انگیزش درونی را مشاهده کنیم، اما وجه غالب با انگیزش بیرونی است. البته نشانه های انگیزش درونی نیز در مدارس یافت می شود. دانش آموزان می توانند دارای انگیزه درونی باشند و معلمان هم می باید درکنار انگیزش بیرونی به انگیزش درونی توجه کنند. لازم است تا میان این دو تعادل و توازن ایجاد گردد و دانش آموزان بیاموزند که چگونه قادرند از انگیزش بیرونی به انگیزش درونی دست یابند.

- امیر تیموری ، محمد حسینی ، آموزش و یادگیری در کلاس ، ۱۳۷۸ به نقل از فصل نامه مدیریت شماره ۲۲ ، تابستان ۱۳۷۸ .
- وین ک. هوی و سیسل ج. میسکل ، تئوری ، تحقیق و عمل در مدیریت آموزشی ، ترجمه دکتر میر محمد سید عباس زاده- انتشارات ارومیه.
- دلاور، علی مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی ، تهران ، انتشارات رشد ، ۱۳۷۴ .
- دلاور علی ، روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی و تهران ، نشر و ویرایش ۱۳۷۷ .
- سیف علی اکبر ، (۱۳۷۳)، روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزشی) تهران نشر آگاه.
- شریعتمداری علی ، روانشناسی تربیتی، تهران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۷ .
- فریاد ، اکبر، رخشان ، فریدون. یادگیری تیریز انتشارات نیما ۱۳۶۹ .
- فتحی آذر اسکندر ۱۳۷۲ ، تدریس و یادگیری از دیدگاه تبریز، شناخت گرائی، فصلنامه تعلیم و تربیت مرکز تحقیقات آموزشی، سال نهم شماره ۱ بهار ۱۳۷۲ .
- مارشال ربو، جان. انگیزش و هیجان ، ترجمه یحیی سید محمدی ، تهران ، موسسه نشر پیرایش ۱۳۷۶ .
- میرزائی، محمد و احمدوند ، خسرو ، ویژگیهای دانش آموزان موفق و ناموفق دوره راهنمایی تحصیلی تهران. دفتر آموزش ابتدایی و راهنمایی، زمستان ۱۳۷۰ .
- مقصود حمدی پور، ۱۳۷۹)) بررسی راههای ایجاد انگیزه در دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی ((.
- حسین ، رامشه ، بررسی نقش انگیزش و راهبردهای معلمان و دانش آموزان در عملکرد ریاضیات دانش آموزان سال سوم راهنمایی تبریز ۱۳۷۷ .
- خدا پناهی ، محمد کریم، هیجان و انگیزش، تهران، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، دانشگاهها، تهران ۱۳۷۶